

فردوسی

علی سلطوری
«سراپنده»

سلحشوری، علی - ۱۳۱۴
 فرزند عشق / سراینده: علی سلحشوری فرخ شهر: جهان بین، ۱۳۸۹.
 ۱۲۰ ص.
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۳۷-۵۹-۱
 فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا
 ۱. شعر فارسی قرن ۱۴. الف. عنوان.

۸ فا ۱
 ۱۶۲
 ۱۳۸۹
 ۶۳۷ س



انشارات جهان بین

فرخ شهر خیابان دهنر، کوچه ۲، پلاک ۹
 همراه ۲۸۱ ۰۹۱۳۸۲۲۰۹۱ - تلفن ۰۳۸۲۲۴۲۳۸۲۰

فرزند عشق

سراینده: علی سلحشوری
 تلفن سراینده: ۰۳۲۴۲۳۲۷۶۹۴
 پردازش رایانه‌ای متن: مهدی مختاریان
 طراح جلد: مهدی پیک فلک
 ناظر چاپ: حمید نیازی شهرکی
 چاپ و لیتوگرافی: چاپخانه مختاریان شهرکرد
 صحافی: سیاوش نجفی
 چاپ اول: ۱۳۹۰
 شمارگان: ۵۰۰۰ جلد

ISBN 978-964-2637-59-1

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۳۷-۵۹-۱

« حق چاپ محفوظ است »

فهرست مطالب

۱۲	مقدمه و پیش گفتار
۱۴	سپاس و ستایش
۱۵	جهان دآوری
۱۶	خرم و شیار
۱۷	جهان خرد
۱۸	دانش آموز
۱۹	گر بخواهی می توانی
۲۰	جوینده یابنده است
۲۱	بی هدف
۲۲	عشق و اجبار
۲۳	سر پر خرد
۲۴	کهنه پرستی
۲۵	راز هستی
۲۶	آرمان
۲۷	باغ هنر
۲۸	جبر روزگار
۲۹	هست و نیست
۳۱	بزرگی به عقل است
۳۳	حبّ مقام
۳۴	کار نیکو
۳۵	یار قلم
۳۶	حرف درمانی
۳۸	تور طمع
۳۹	خروش دردها

۴۱	آثارها
۴۲	سگال نیک
۴۳	اراده آهنین
۴۴	مردم پرستی
۴۵	خدا و خرد
۴۶	سخن حق
۴۷	کُلّ دانش
۴۹	گذشت روزگار
۵۱	دام عشق
۵۲	عاقبت رو می شود
۵۳	از با خبران
۵۴	تاج افتخار
۵۵	آشنا با رسم ایران
۵۶	درس روزگار
۵۷	آرزو کم کن
۵۸	چشم آز
۶۰	پژوهش
۶۱	شوق دلدار
۶۲	با نام هنر
۶۳	پای آز
۶۴	نفاق
۶۶	غیبت مکن
۶۷	فرزند عشق
۶۸	ز بر کن
۷۰	لب خندان
۷۱	تکثیر

۷۲	شاد باش
۷۳	خود ستایی
۷۴	معنا (۱)
۷۵	معنا (۲)
۷۷	حکایت مور و تیمور
۷۹	حکایت کُری که با مَنت به جَنّت نمی رود
۸۲	حکایت مرد نیکم کار و کور طمع کار
۸۵	حکایت دو برادر «سوره ص»
۸۷	صدام
۸۹	آزادی خرمشهر
۹۰	نوروز نامه
۹۳	در سوگ مادر
۹۴	عیش و ناز
۹۵	عشق و آرزو
۹۶	لطف خدا
۹۷	صحبتی از عشق
۹۸	الطاف حق
۹۹	فکر مور کن
۱۰۰	ظاهر نما
۱۰۱	سرک و سالوک
۱۰۳	سیگار
۱۰۶	رهگذر
۱۰۷	چند رباعی
۱۱۹	حال و آینده
۱۲۰	تیغ جفا

مقدمه و پیش‌گفتار

مقدمه و پیش‌گفتار این کتاب را به صورت شعر تقدیم حضور شما خوانندگان گرامی و ارجمند می‌نمایم:

خوانندگان محترم، ای مردمان با کرم
ساده سرودم چامه‌ها، شعرم ندارد پیچ و خم
هر چه به ذهنم داده حق، آورده‌ام روی ورق
بی‌پیچ و تاب و بی‌ریا، ساده و صاف و بی‌ملق^۱
در حد فهم خویشتن، با هر هجا و هر سخن
گفتم برای دوستان، هم ارجمند و مؤتمن
ساده نوشتم چامه‌ها، بسروده‌ام در نامه‌ها
از بسکه دیدم در جهان، بیدادی از خودکامه‌ها
خوانندگان این کتاب، با دیده باز و بی‌تاب
خوانید ابیات مرا، از جان و دل با آب و تاب
کردار و هم‌پندار من، اندیشه و گفتار من
این بود اسرار دلم، اینست رنج کار من
نامم سلحشوری علی، با همدلی و عاذلی
خواهم ز حق که بگذرد، عمر شما با خوشدلی

۱. ملق = چاپلوسی به دروغ

در ضمن خوانندگان گرامی من ساده نویسی را دوست داشته و دارم و
می خواهم طوری بگویم و بنویسم که براحتی همه بخوانند و بدانند.

ساده گویی شیوه ی کار من است
این روش در فهم و پندار من است
می بخوام تا بداند هر کسی
اینچنین در ذهن و افکار من است
گر سخن پیچیده و سنگین کنم
کی بخواند هر کسی یار من است
آنکه مثل من سوادش کم بُرد
آن دگر یکباره بیزار من است
من به فکر خویش می گویم چنین
ساده گویی رونق کار من است
گرچه هر کس چیزی می خواهد ز دهر
لیک من این شیوه آمار من است
وان یکی خواند بگوید اشتباست
دیگری مشتاق دیدار من است
ساده می گوید سلحشوری مدام
می پسندد هر که هنجار من است

سپاس و ستایش

بنام خداوند کلّ جهان
 بنام خداوند حور و نعیم
 خداوند سازنده ی کیهانشان
 خداوند دادار و لوح و قلم
 خداوند مهر و خداوند ماه
 خداوند کونده ی ظالمان
 خداوند انسان و وحش و طیور
 سپاس و ستایش کنم بی شمار
 که داده مرا اندکی روشنی
 مرا داد پندار نیکو به دل
 قلم داد بر دست من از کرم
 که تا من سرایم به حکم شعار
 همیشه ز آغاز کارم از او
 سلحشوری با نامش آغاز کن
 تو را یاری خواهد کند کردگار
 خداوند بخشنده و مهربان
 خدای کریم و رحیم و عظیم
 خداوند تصویرکش مهوشان
 خداوند لطف و صفا و کرم
 که ظالم ز ماه آورد سوی چاه
 خداوند غیرت کش سالمان
 خداوند ظلمت خداوند نور
 از این مهربان پاک پروردگار
 مرا آشنا کرد بر گفتنی
 که در پیش رویش نگردم خجل
 که هر کس بگیرد نگردد عدم
 بد و نیک بنویسم از روزگار
 خواهم از او رمز هر آرزو
 سخن های شکرانه ابراز کن
 به نیکی گرای و دل بد مدار